
نخبگان و توسعه ایران

حسین شیخ زاده

www.ketab.ir

شیخ‌زاده، حسین

نخبگان و توسعه ایران / حسین شیخ‌زاده. -- تهران:
مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز)، ۱۳۸۴.
۲۳۱ ص: جدول. -- (مرکز بازشناسی اسلام و ایران:
۱۱۹)

ISBN 964-8418-19-5: ریال ۲۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه.

۱. توسعه پایدار -- ایران. ۲. نخبگان -- ایران. الف.
عنوان.

۳۳۸/۹۵۵

ن ۹۳/ش ۶/۵۷۵ HD

م ۸۴-۲۶۹۲۲

کتابخانه ملی ایران



مرکز پژوهش‌های اسلامی ایران

نخبگان و توسعه ایران

حسین شیخزاده

شمارگان: ۲۰۰۰

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۵

شماره نشر: ۱۱۹

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

ناشر: انتشارات باز

شابک: ۵-۱۹-۸۴۱۸-۹۶۴

تهران: فلسطین شمالی،

ساختمان ۲۵۵، طبقه دوم،

کدپستی ۵۳۴۹۶-۱۴۱۶۷

تلفن: ۸۸۸۹۸۹۴۹، ۸۸۸۹۵۳۸۶

دورنگار: ۸۸۸۹۸۹۴۸

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۹ → مقدمه

۱۵ → فصل اول: مباحث تئوریک

۱۵ → نظریه‌های توسعه

۱۶ → نظریه نوسازی

۱۸ → دیدگاه مارکسیستی توسعه

۲۰ → نظریات توسعه نیافتگی

۲۲ → الگوی توسعه هانتینگتون

۲۳ → نظریه‌های نخبه‌گرایی

۲۴ → ویلفرد دو پاره‌تو

۲۵ → گانتانو موسکا

۲۹ → نتیجه‌گیری

۳۷ → فصل دوم: نقش نخبگان قبل از انقلاب اسلامی در توسعه

۳۷ → حاکمان و سرآمدان عصر قاجار و نقش آنها در توسعه

۳۸ → حاکمان نوساز و توسعه‌خواه

۴۷ → ساختار سیاسی استبدادی

۵۰ → فقدان استقلال سیاسی کشور

۵۴ → روشنفکران عصر قاجار

۶۰ → نخبگان و توسعه در عصر پهلوی

۶۳ → ساختار سیاسی عصر پهلوی و تأثیر آن در عملکرد نخبگان

۶۹ → امنیت شغلی نخبگان عصر پهلوی

ساختار اقتصادی عصر پهلوی و عملکرد نخبگان ← ۷۱

فقدان استقلال سیاسی و دخالت بیگانگان ← ۷۴

نگاه یک سویه نخبگان به توسعه ← ۷۷

منشأ طبقاتی سرآمدان عصر پهلوی ← ۷۹

منش و خلیات نخبگان عصر پهلوی ← ۸۲

روشنفکران عصر پهلوی ← ۸۵

روشنفکری دینی ← ۸۹

فصل سوم: نخبگان بعد از انقلاب و توسعه (نخبگان ابزاری) ← ۹۷

مقدمه ← ۹۷

تلاش نخبگان بعد از انقلاب در راه توسعه ← ۹۷

عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و برنامه‌های حمایتی ← ۹۷

توسعه فرهنگی و سیاسی ← ۱۰۰

وضعیت کشور از نظر توسعه‌یافتگی در اوایل دهه ۱۳۸۰ ← ۱۰۴

شایسته‌سالاری و گردش نخبگان ← ۱۱۰

تحصیلات نخبگان مقننه ← ۱۱۶

تحصیلات نخبگان ابزاری ← ۱۲۲

گردش نخبگان و توسعه ← ۱۲۸

ویژگی‌های شخصیتی و خلیات نخبگان ← ۱۳۰

میزان هماهنگی ابعاد مختلف توسعه در عملکرد نخبگان ابزاری ← ۱۳۹

فصل چهارم: نخبگان فکری و توسعه در دوره جمهوری اسلامی ← ۱۵۹

روشنفکران ← ۱۵۹

نخبگان حوزه و دانشگاه ← ۱۶۹

فصل پنجم: میزان اجماع نظر نخبگان و نقش آن در توسعه کشور ← ۱۸۱

اختلافات دوره تثبیت نظام ← ۱۸۱

فراز و فرود اجماع نظر میان نخبگان مذهبی ← ۱۸۹

فصل ششم: تگاهی به آینده ← ۲۰۳

الگوی مناسب برای توسعه همه جانبه ← ۲۰۳

۲۰۸ → اصلاح نظام مدیریتی و نخبگی

۲۱۲ → اصلاحات عرصه عملکردی نخبگان و مدیران کشور

۲۱۹ → سخن آخر

۲۲۳ → منابع

۲۲۹ → نمایه

www.ketab.ir

مقدمه

در آغاز قرن بیست و یکم، کشورهای در حال توسعه با الزامات گوناگونی مواجه اند که مهم ترین آنها توسعه، پیشرفت و افزایش نسبی رفاه و آسایش شهروندان است. سرعت روزافزون توسعه در کشورهای پیشرفته و گسترش ارتباطات و تبادل اطلاعات در عرصه بین الملل و پدیده‌ای که تحت عنوان جهانی شدن از آن نام می‌برند، ضعف و ناتوانی کشورهای در حال توسعه را بیشتر نمایان ساخته است. شرایط جدید، از یک سو رقابت با واحدهای توسعه یافته نظام جهانی را دشوار و از سوی دیگر، توسعه را به یکی از الزامات کشورهای در حال توسعه تبدیل کرده است. زندگی در جهان کنونی مستلزم دستیابی به حداقلی از قدرت رقابت و سطح قابل قبولی از توسعه است، اما دستیابی به این اهداف هر روز بیش از پیش دشوار می‌شود.

در ایران نیز به دلایل گوناگون، توسعه و پیشرفت امری اجتناب ناپذیر شده است. پاسخگویی به نیازهای روزافزون اقشار مختلف جامعه، برخورداری از جایگاه متناسب با شأن ملت و تمدن دیرینه ایران، برخورداری از زندگی شرافتمندانه و ایجاد فرصت لازم جهت نیل به معنویت و کمال به عنوان مقصد نهایی انسان ها و ...، مستلزم بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. از حدود دویست سال پیش تاکنون، یکی از مهم ترین دغدغه‌های سرآمدان این جامعه، توسعه بوده است. در این مدت دو سؤال اساسی ذهن نخبگان و اقشار مختلف جامعه را به خود مشغول کرده است: ۱- چرا ما پیشرفت نکرده ایم؟ ۲- چگونه باید پیشرفت کنیم؟ شاید بتوان مبدأ این حرکت را، سؤال معروف عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه، از «ژوبر» فرانسوی دانست، که خطاب به وی گفت:

نمی‌دانم این قدرتی که شما اروپایی‌ها را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف ما و ترقی شما چه؟ ... مگر جمعیت و حاصلخیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا

آفتاب که قبل از رسیدن به شما به ما می‌تابد، تأثیرات مفیدش بر سر ما کمتر از شماست؟ یا خدایی که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است، خواسته شما را بر ما برتری دهد؟ گمان نمی‌کنم. اجنبی حرف بزن. بگو من چه باید بکنم که ایرانیان را هوشیار نمایم؟^۱

از آن روز تا به امروز، این سؤالات را مکرر اندیشمندان و برخی حاکمان این مرز و بوم مطرح و پاسخ‌های گوناگونی به آنها داده‌اند. در ریشه‌یابی عوامل توسعه‌نیافتگی عواملی مانند: ساختار سیاسی استبدادی، فرهنگ توسعه نیافته، دخالت استعمارگران، ضعف عملکرد شاهان و فرمانروایان، نقش مخرب نظام اقتصاد جهانی و ... مطرح شده است و در طراحی الگوی توسعه و راه برون‌رفت از توسعه‌نیافتگی نیز طیف وسیعی از پاسخ‌ها دیده می‌شود: از پذیرش بی‌قید و شرط شیوه‌های غربی و «فرنگی شدن از فرق سر تا نوک پا» گرفته تا مبارزه با استعمار و اعتلای فرهنگ بومی و مبارزه با «غرب‌زدگی».

آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که علیرغم تلاش‌های دو‌یست ساله، هنوز به گم‌شده اصلی یعنی توسعه و پیشرفت دست نیافته‌ایم. بسیاری از کشورها بعد از ما این حرکت را آغاز کرده و به مقصد هم رسیده‌اند ولی ما همچنان اندر خم یک کوچه‌ایم. در این کتاب برای شناسایی عوامل توسعه‌نیافتگی و تبیین روش‌ها و راهکارهای توسعه تلاش شده تا از تجربه گذشته در ترسیم چشم‌انداز آینده استفاده شود. فرایند پیچیده توسعه، از عوامل گوناگون تأثیر می‌پذیرد، اما با توجه به شرایط خاص جامعه ایران و نقش رفتار و رویکردهای افراد توانمند در تحولات این کشور، نقش نخبگان در توسعه ایران برجسته شده است.

نظر به این که دو مفهوم اساسی این کتاب «نخبه» و «توسعه» است، در اینجا به اختصار به تعریف این مفاهیم می‌پردازیم:

نخبه

نخبه، ترجمه واژه انگلیسی (Elite) به معنی برگزیده، بهتر، سرآمد و شایسته آمده

(۱) عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۳۰۸.

است. «آلن بیرو»^۱ در فرهنگ علوم اجتماعی، واژه Elite را این گونه تعریف کرده است: «سرآمد، از ریشه لاتینی Eligere به معنی گزیدن گرفته شده است. سرآمد به هر آنچه بهتر از دیگران و شایسته‌گزینش باشد، اطلاق می‌شود. از واژه سرآمدان، فرهیخته‌ترین طبقات یک جامعه؛ آنان که تواناترین افراد در اداره مؤثر جامعه و خدمت به آن هستند، برمی‌آید».^۲ بر اساس تعریف «گی روشه»، «نخبگان، اشخاص و گروه‌هایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که بر جای می‌گذارند، یا تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند یا به وسیله ایده‌ها، احساسات یا هیجانانی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه مؤثر واقع می‌شوند».^۳

بنابراین، نخبگان افرادی هستند که به واسطه تفاوت‌های ذاتی یا اکتسابی، به نوعی با دیگران متفاوت و مافوق دیگران هستند. در میان همه اقشار جامعه، این گونه افراد دیده می‌شوند، اما در خصوص اداره جامعه و به ویژه در رابطه با مدیریت توسعه، عمدتاً با نخبگان سیاسی سروکار داریم. در این نوشتار، نخبگان به دو دسته تقسیم شده‌اند: الف) نخبگان فکری، ب) نخبگان ابزاری. نخبگان فکری افرادی هستند که با فکر خود به نوعی در اداره جامعه و تمهید مقدمات آن مؤثرند مانند: روشنفکران، دانشگاهیان، نویسندگان، اصحاب مطبوعات و محققین. نخبگان ابزاری نخبگانی هستند که در مناصب حکومتی قرار دارند مانند: وزیران، نمایندگان مجلس و استانداران.

توسعه

معنای لغوی توسعه، عبارت است از «گسترش»، «تکامل»، «پیشرفت» و «ظاهر کردن ویژگی‌های پنهان». این واژه که عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم به صورت جدی وارد ادبیات سیاسی گردید، ابعاد گوناگونی دارد. در تفکیک ابعاد توسعه، معمولاً توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و توسعه فرهنگی، بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد. برخی

1) Alain Birou.

۲) آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷، ص ۱۵.

۳) گی روشه، تغییرات اجتماعی، منصور وثوقی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳.

تعاریف، صرفاً یکی از ابعاد توسعه را مدنظر قرار می‌دهند و برخی دیگر به تبیین ویژگی‌های توسعه به صورت عام و کلی می‌پردازند. برای مثال در تعاریف زیر، عمدتاً توسعه سیاسی مورد نظر بوده است: دورکیم،^۱ توسعه را «یک نوع گذار از همبستگی مکانیکی به سوی یک نوع همبستگی ارگانیکی»^۲ می‌داند. در این تعریف روابط اجتماعی به ویژه رابطه نظام سیاسی با نظام اجتماعی و کیفیت این رابطه مدنظر قرار گرفته است. از نظر آیزنشتات،^۳ «توسعه بر فرایندهای ناظر بر انتقال از حکومت‌های غیر دموکراتیک به دموکراتیک دلالت دارد».^۴

از نظر هانتینگتون،^۵ «هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد».^۶ بنابراین، تنوع ساختار سیاسی و افزایش توان آن، در ارتباط با نظام اجتماعی، به عنوان نماد توسعه سیاسی مدنظر قرار گرفته است. توان عبور از بحران نیز در برخی تعاریف، به عنوان شاخص توسعه سیاسی قلمداد شده است. لوسین پای،^۷ معتقد است «گذار موفقیت‌آمیز از بحران راهشگای توسعه سیاسی است». «پای» در بررسی‌های خود، شش بحران هویت، مشارکت، نفوذ، مشروعیت، توزیع و یکپارچگی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.^۸

منظور از توسعه همه‌جانبه، هماهنگی و همزمانی ابعاد مختلف توسعه، یعنی رشد اقتصادی و رفاه، توسعه سیاسی و مشارکت عمومی، توسعه اجتماعی و افزایش سطح

1) E. Durkheim.

۲) محمدرضا تاجیک، «قرائی واسازانه از گفتمان‌های توسعه سیاسی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۱، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۸۴-۲۰۹.

3) Eisenstadt.

۴) تاجیک، قرائی واسازانه از گفتمان‌های توسعه سیاسی، ص ۱۸۴-۲۰۹.

5) Samuel p. Huntington.

۶) عبدالعلی قوام، چالش‌های توسعه سیاسی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۹، ص ۸۶.

7) Lucien Pye.

۸) قوام، چالش‌های توسعه سیاسی، ص ۸۷.

فرهنگ عمومی است؛ به گونه‌ای که این ابعاد، عامل تقویت یکدیگر باشند و پایداری و تداوم توسعه تضمین گردد.

به طور کلی، توسعه، تحول همه جانبه‌ای است که در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، یک دگرگونی مثبت و اساسی ایجاد می‌کند. این تحول مثبت، بر اساس جهان‌بینی حاکم بر جوامع گوناگون ارزیابی می‌شود، اما اصول و شاخص‌های اصلی توسعه، نزد همه جوامع یکسان است.

در این کتاب پس از تعیین چارچوب تئوریک در فصل اول، در فصل دوم به اجمال، نقش نخبگان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (تاریخ معاصر) در روند توسعه مورد ارزیابی قرار گرفته است. در فصل‌های سوم تا پنجم ضمن بررسی عملکرد و ویژگی‌های نخبگان فکری و ابزاری دوره جمهوری اسلامی، در پی یافتن پاسخ این سؤال هستیم که چرا علیرغم برطرف شدن دو مانع اساسی توسعه یعنی استبداد و استعمار در سایه پیروزی انقلاب اسلامی، همچنان به توسعه همه‌جانبه دست نیافته‌ایم؟ در فصل ششم، راهکارهای بهبود عملکرد نخبگان و دستیابی به توسعه بر مبنای الگوی نخبه محور مورد بررسی قرار گرفته است.